

حقوق بین‌الملل و عدم مشروعیت حمله یا تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶

صالح رضایی پیش‌رباط*

چکیده

از منظر حقوق بین‌الملل، هنوز معاهده الزام‌آور جهان‌شمول مشخصی مبنی بر ممنوعیت حمله یا تهدید به حمله مسلحانه، که جزییات ممنوعیت مقرر در حقوق بین‌الملل عام را پیش‌بینی نماید، منعقد نشده است، هرچند تلاش‌های بین‌المللی در این زمینه ادامه دارد. مقاله حاضر، با رجوع به اسناد بین‌المللی و همین‌طور رویه بین‌المللی، به توضیح و تحلیل ممنوعیت مذکور پرداخته و نارسایی‌های حقوق بین‌الملل در این زمینه را روشن نموده و برای رفع آنها پیشنهادهایی را مطرح کرده است. همچنین، این مقاله با رجوع به اسناد بین‌المللی موثق و رویه بین‌المللی، مبانی حقوقی حمله یا تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای در لوای نظریه دفاع مشروع پیش‌گیرانه را نقد نموده و مغایرت آن را با قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: تأسیسات هسته‌ای، حقوق بین‌الملل، حمله مسلحانه، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان ملل

Srezaie_p@yahoo.com

* استادیار پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال شانزدهم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۹۲ • شماره مسلسل ۶۲

مقدمه

از بدو پیدایش صنعت و فناوری هسته‌ای، امنیت و تعرض‌ناپذیری تأسیسات و مراکز هسته‌ای از جمله دغدغه‌های اصلی دولت‌ها و محافل بین‌المللی محسوب می‌شده است. احتمال حمله مسلحانه یا نظامی به این تأسیسات و مراکز و یا تهدید حمله به آنها به دلایل نظامی، امنیتی یا دلایل دیگر، از جمله خطراتی بود که این امنیت و تعرض‌ناپذیری را همواره تهدید می‌کرده است. در بروز و تشدید نگرانی‌ها و حساسیت‌های جامعه بین‌المللی نسبت به امنیت و تعرض‌ناپذیری تأسیسات و مراکز هسته‌ای، حملات و تهدید به حملات مسلحانه رژیم اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای برخی کشورها واقع در منطقه خاورمیانه نقش اساسی داشته است. رژیم اسرائیل در سال ۱۹۸۱، تأسیسات هسته‌ای اوزیراک یا تموز عراق (Damato, 1983: 584) و ۲۰۰۷ تأسیسات هسته‌ای سوریه در الخیبر را (Gowers, 2011: 263) هدف حملات مسلحانه و نظامی خود قرار دارد. در طول تاریخ نسبتاً کوتاه صنعت و فناوری هسته‌ای، وقوع دو حمله نظامی بین‌المللی علیه تأسیسات و مراکز اتمی، رقم بالایی محسوب می‌شد. این در حالیست که مقامات و دولت‌مردان آن رژیم همچنان به تهدیدات خود مبنی بر حمله مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای دیگر کشورها ادامه می‌دهند. در سال‌های اخیر، ایران از جمله کشورهایی است که دولتمردان و مقامات اسرائیل بارها تأسیسات و مراکز هسته‌ای آن را تهدید به حمله نموده‌اند. در خصوص تهدیدات اخیر آن رژیم علیه تأسیسات هسته‌ای ایران می‌توان به اظهارات بنیامین نتانیاهو در ۵ مارس ۲۰۱۲ اشاره کرد که اظهار داشت: «من می‌خواهم توضیح دهم چرا نباید به ایران اجازه داده شود توان هسته‌ای خود را توسعه دهد... دولت یهود هرگز اجازه نخواهد داد آنهایی که در صدد نابودی ما هستند به ابزاری جهت حصول به هدف خود نایل گردند. ایران هسته‌ای باید متوقف شود» (Sarvarian, 2012: 3). در نشست سپتامبر ۲۰۱۲ مجمع عمومی سازمان ملل نیز نتانیاهو یک بار دیگر تأسیسات هسته‌ای ایران را تهدید به حمله نظامی کرد (UN General Assembly Session, 2012, 27 Sept).

سوالی که در ارتباط با این حملات مطرح می‌شود این است که آیا حقوق بین‌الملل موجود حملات مسلحانه یا تهدید به حملات مسلحانه علیه تأسیسات و مراکز هسته‌ای را منع نموده است؟ به فرض وجود چنین ممنوعیتی، چه سازوکارهایی برای برخورد با چنین حملات

و تهدیداتی پیش‌بینی شده است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت حقوق بین‌الملل معاصر، بر ممنوعیت حمله یا تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای به عنوان یکی از مصادیق اصل ممنوعیت توسل یا تهدید توسل به زور در روابط بین‌الملل تأکید نموده و رویه بین‌المللی نیز بر آن صحه گذاشته است. در عین حال، تضمین اجرای این ممنوعیت مستلزم تشریح قواعد حقوق بین‌الملل و پاسخ به برخی ابهامات و بستن مجاری سوء استفاده در این زمینه می‌باشد.

مقاله حاضر طی مباحث جداگانه‌ای، مبانی حقوقی این ممنوعیت و موارد مغایرت آن با قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است.

الف. مغایرت با اصل ممنوعیت توسل به زور

هرچند تلاش‌های بین‌المللی حقوقی برای ممنوع‌ساختن جنگ، درگیری‌های مسلحانه و اعمال زور در روابط بین‌الملل به سال‌های قبل از ۱۹۴۵ و تصویب منشور ملل متحد برمی‌گردد، (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۱-۱۳)، اما این منشور ملل متحد بود که برای نخستین بار به صورت عام‌الشمول و در قالب سند تأسیس سازمان بین‌المللی عام، ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌الملل را با هدف تحکیم بیشتر پایه‌های صلح و امنیت در جهان مقرر نمود. قبل از منشور، پیمان بریان-کلوک توانسته بود یکی از مصادیق -البته مصداق مهم- توسل به زور که جنگ باشد را ممنوع نماید، اما با تصویب منشور ملل متحد در کنفرانس سانفرانسیسکو، هر نوع توسل به زور از سوی دولتی علیه دولتی دیگر، به غیر از سه مورد استثنایی -دفاع مشروع در چارچوب مقررات ماده ۵۱، اقدامات جمعی در پرتو مقررات ماده ۴۲ و اقدام به موجب مقررات ماده ۱۰۷ که در حال حاضر دیگر موضوعیت ندارد- ممنوع اعلام گردید. در مقایسه با جنگ، توسل به زور گستره شمول وسیع‌تری دارد و به غیر از جنگ، درگیری‌ها و منازعات دیگری را که متضمن کاربرد زور است، شامل می‌گردد.

امروزه، ممنوعیت توسل به زور مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، از جمله قواعد عرفی (زمانی، ۱۳۸۹: ۷۰) و آمره^۱ بین‌المللی به شمار می‌آید (ICJ Reports, 1986: 190). سنگ بنای صلح، قلب منشور ملل متحد و قاعده بنیادین حقوق بین‌الملل، تعبیرات دیگری است که برخی از حقوق‌دانان در مورد این اصل به کار بسته‌اند (Radelzh, 1982: 267). حمله مسلحانه (اولیه و نه در مقام دفاع مشروع یا اقدام بر اساس ماده ۴۲ منشور) یک دولت علیه تأسیسات هسته‌ای دولت دیگر در تغایر با اصل مذکور بوده و ناقض آن محسوب می‌شود. اجماع حقوق‌دانان، حمله مسلحانه و نظامی دولتی علیه قلمرو دولت دیگر را از مصادق بارز و مسلم کاربرد زور در روابط بین‌المللی (Sloss, 2003: 52) و نقض منشور ملل متحد قلمداد نموده است. در قطعنامه‌هایی که شورای امنیت (UNSC/Res 487, June 1981) و مجمع عمومی (UNGA Res 36/27, 13 November 1981, UNGA Res /36 /9 10 November 1983)، سازمان ملل و همین‌طور آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA.GC(xxv)/643,30 June 1981) در قضیه حمله مسلحانه اسرائیل به راکتور هسته‌ای عراق صادر کردند، هر سه نهاد بین‌المللی صراحتاً تصریح نموده‌اند که حمله مسلحانه بین‌المللی به تأسیسات هسته‌ای، ناقض مقررات منشور ملل متحد و اصل ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌المللی محسوب می‌شود (رضایی، ۱۳۸۸: ۳۱). این سه نهاد بین‌المللی، در قطعنامه‌های خود اعلام کرده‌اند که حمله اسرائیل به راکتور هسته‌ای عراق نقض مقررات منشور از جمله مقررات اصل فوق بوده است. با وجود چنین رویه بین‌المللی، به سختی می‌توان نظر حقوق‌دانانی چون داماتو را پذیرفت که اظهار داشته است: «حمله اسرائیل حمله علیه تمامیت ارضی^۲ و استقلال سیاسی عراق محسوب نشده و نقض بند ۴ ماده ۲ منشور تلقی نمی‌گردد، زیرا اسرائیل (با این حمله) قصد تغییر مرزهای عراق و به مخاطره انداختن استقلال سیاسی عراق را نداشته است» (Damato, 1983: 586).

سئوالی که در ادامه این بحث مطرح می‌شود این است که آیا حمله مسلحانه به تأسیسات کشورها می‌تواند موجب حق دفاع مشروع برای دولت مورد حمله در برابر دولت حمله‌کننده باشد؟ همچنین، آیا انجام چنین حملاتی می‌تواند عمل تجاوز یا تهدید و نقض‌کننده صلح و

1. Jus Cogense
2. Territorial Integrity

امنیت بین‌المللی محسوب شده و موجبات توسل به اقدامات دسته‌جمعی (تحریم و اعمال زور) بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد را فراهم آورد؟

ظاهر و اطلاق مقررات ماده ۵۱ منشور ملل متحد به سؤال اول پاسخ مثبت می‌دهد. بر اساس این ماده، شرط ایجاد حق دفاع مشروع برای یک دولت این است که از جانب دولت دیگری هدف حمله مسلحانه^۱ قرار گیرد. در این ماده، عبارت حمله مسلحانه مطلق بوده و هر نوع حمله مسلحانه، منجمله حمله به تأسیسات هسته‌ای یک کشور را شامل می‌شود. قطعنامه تعریف تجاوز، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل نیز حمله نظامی و مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای واقع در قلمرو یک کشور را از مصادیق بارز حمله مسلحانه به مفهوم مقرر در ماده ۵۱ منشور به شمار آورده است (Sloss, 2003: 51).

در قضیه حمله ۱۹۸۱ اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق، هرچند به جهت ملاحظات سیاسی، شورای امنیت، مجمع عمومی سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صراحتاً حق دفاع مشروع عراق در برابر حمله رژیم اسرائیل را تأیید ننمودند، اما با اعلام اینکه آن حمله ناقض مقررات منشور ملل متحد و عمل تجاوز قلمداد شده و برای عراق حق دریافت غرامت ایجاد می‌کند (UNSC/Res 487, June 19/1981: 6)، به طور ضمنی بر وجود چنین حقی صحه گذاشتند. در رویه بین‌المللی قضایی نیز منع صریحی بر حق دفاع مشروع دولت حمله‌شونده در چنین شرایطی مشاهده نمی‌شود. هرچند دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه آمریکا در تفسیر خود از مقررات ماده ۵۱ و مفهوم «حمله مسلحانه» سعی نموده است موارد توسل دولت‌ها به حق دفاع مشروع را محدود به حملات مسلحانه گسترده نموده و ابراز نماید «هر کاربرد زوری الزاماً حمله مسلحانه به مفهوم مندرج در ماده ۵۱ محسوب نمی‌شود» (Nicaragua Case, ICJ Reports, 1986: 14) و باید بین اشکال کاربرد زور شدید و کم‌شدت قایل به تفکیک شد و تنها کاربرد زور در حد گسترده و شدید را واجد وصف حمله مسلحانه (Taft, 2004: 298-299) به مفهوم مندرج در ماده ۵۱ و ایجادکننده حق دفاع مشروع برای دولت مورد حمله دانست، اما این اظهارات نمی‌تواند به صراحت بر نفی حق دفاع مشروع دولت‌ها در مواردی که تأسیسات هسته‌ای آنها هدف حمله مسلحانه قرار

می‌گیرد دلالت نماید. در این قضیه، دیوان مشخص نمی‌کند که اگر کاربرد زور واجد وصف حمله مسلحانه نباشد، چه حقی برای دولت هدف حمله واقع شده متصور است. در چنین وضعیتی، به نظر قاضی سیما، که واقع‌بینانه به نظر می‌رسد، می‌توان به توسل به زور نظامی محدود در قالب اقدامات متقابل متوسل گردید (نژندی‌منش، ۱۳۸۹: ۹۴).

در عین حال، در خصوص اینکه آیا حمله مسلحانه یک دولت به تأسیسات هسته‌ای دولت دیگر، تجاوز یا تهدید و نقض صلح قلمداد می‌شود و می‌تواند زمینه حقوقی اقدام جمعی سازمان ملل علیه دولت حمله‌کننده را به موجب مقررات فصل هفت منشور ملل متحد فراهم آورد، می‌بایست گفت مقررات منشور معیار مشخص و مستحکمی در این خصوص معین ننموده و تشخیص تهدید یا نقض صلح و وقوع تجاوز را به صلاح‌دید شورای امنیت واگذار کرده است (ماده ۳۹). البته، شورا در تشخیص خود ملزم است حقوق بین‌الملل و عدالت را رعایت نماید (شریف، ۱۳۷۳: ۷۰). در قضیه حمله اسرائیل به راکتور هسته‌ای عراق، هرچند شورای امنیت حمله پیش‌دستانه اسرائیل به عراق را تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی دانست، اما اقدامی علیه اسرائیل بر اساس فصل هفت منشور به عمل نیاورد. در این قضیه، شورای امنیت شدت و پیامدهای حمله اسرائیل را به اندازه‌ای ندانست که مستلزم واکنش جمعی در چارچوب مقررات فصل هفت منشور گردد. در اغلب موارد، مبنای تشخیص و اقدام شورای امنیت بر اساس فصل هفت، نه ملاحظات حقوقی متقن، بلکه ملاحظات سیاسی و صلاح‌دید اعضا یا برخی از اعضای دایم بوده است. اگر غیر از این می‌بود، شورای امنیت نمی‌بایست در قضیه لاکربی که شدت آثار آن بر صلح و امنیت بین‌المللی بیشتر از حمله رژیم اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق نبود، صرف امتناع دولت لیبی از تسلیم دو مظنون به انفجار هواپیمای پان امریکن بر فراز لاکربی را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد و آن دولت را تحریم هوایی می‌نمود (UNSC/Res, 748, 31 Mar 1992).

اتکای شورای امنیت بر ملاحظات غیر حقوقی و بر اساس صلاح‌دید سیاسی عمل نمودن، می‌تواند این امکان را فراهم آورد که در آینده و در جریان حمله به تأسیسات هسته‌ای مشابه، شورا بر اساس فصل هفت اقدامی علیه آن نماید. جامعه بین‌المللی برای اینکه این صلاح‌دید و

غیر حقوقی عمل نمودن شورا در زمینه تشخیص تجاوز^۱ را محدود نماید، قطعنامه‌ای را در سال ۱۹۷۴ تحت عنوان «قطعنامه تعریف تجاوز از طریق مجمع عمومی سازمان ملل» به تصویب رسانده است (UNGA Resolution 3314(XXIX), 14 December, 1974).

این قطعنامه که اعتبار کلی آن را دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه مورد تأیید قرار داده، معیارهایی را برای تشخیص تجاوز تعیین نموده است. قطعنامه مذکور، حمله نیروهای مسلح یک دولت به قلمرو زمینی، دریایی یا هوایی دولت دیگر را بدون اینکه دولت حمله‌کننده رسماً اعلام جنگ نماید، واجد وصف عمل تجاوز دانسته است. با وجود چنین قطعنامه‌ای که به تصویب اکثریت قریب به اتفاق اعضای جامعه بین‌المللی رسیده است، به سختی می‌توان پذیرفت حملات مسلحانه و نظامی یک کشور علیه حساس‌ترین تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای دولت دیگر عمل تجاوز، تهدید یا نقض صلح قلمداد نگردیده و تنبیهاتی از جانب جامعه بین‌المللی برای آن متصور نباشد.

ب. مغایرت تهدید به حمله با حقوق بین‌الملل

تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای از جمله مصادیق بارز تهدید به زور در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. ممنوعیت تهدید توسط به زور از دستاوردهای منشور ملل متحد است و قبل از آن چنین ممنوعیتی در حقوق بین‌الملل پیش‌بینی نشده بود (Sloss, 2033: 51). تدوین‌کنندگان منشور ملل متحد با هدف تقویت و تحکیم بیشتر مبانی صلح و امنیت بین‌المللی در جهان به هنگام بحث و بررسی ممنوعیت زور و جنگ در روابط بین‌الملل به این نتیجه رسیدند که تهدید توسط به زور نیز همانند خود توسط به زور می‌تواند پایه‌های صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد و از این رو بود که ممنوعیت تهدید توسط به زور در بند ۴ ماده منشور مقرر گردید. امروزه، ممنوعیت تهدید توسط به زور همانند، ممنوعیت توسط به زور، از جمله قواعد عرفی و به نظر برخی از حقوق‌دانان آمره بین‌المللی به شمار می‌آید (Green, 2011: 285). استثنائات پیش‌بینی شده در مورد ممنوعیت توسط به زور در حقوق بین‌الملل در خصوص اصل ممنوعیت تهدید به زور نیز مصداق دارد. بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی و منشور ملل متحد، تهدید به

زوری که در مقام دفاع مشروع، اقدام امنیت جمعی و اقدام متقابل^۱ صورت گیرد، مجاز و مشروع بوده و غیر آن ممنوع و نامشروع است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای این موضوع را اینگونه تأیید می‌کند:

«تمام تهدید به زورها فی نفسه به نقض بند ۴ ماده ۲ منجر نمی‌شود... اگر کاربرد زوری فی نفسه نامشروع باشد، تهدید به کاربرد آن نیز نامشروع خواهد بود» (ICJ, 1996: 47).

بنابراین، چون اصل حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای نامشروع و بر اساس حقوق بین‌الملل ممنوع است، تهدید به انجام آن نیز اساساً نباید مجاز شناخته شود. رویه شورای امنیت، مجمع عمومی سازمان ملل و همین‌طور آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قضیه حمله مسلحانه اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای اوزیراک عراق مؤید این استنتاج است. در این قضیه، شورای امنیت در قطعنامه ۴۸۷ خود، مصوب ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱، پس از اعلام اینکه حمله اسرائیل ناقض مقررات منشور ملل متحد بوده و محکوم است، از اسرائیل می‌خواهد از تهدید به ارتکاب حملات مسلحانه مشابه در آینده امتناع نماید. مجمع عمومی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز چنین درخواستی را از اسرائیل می‌کنند (4: 1985, UNGA/Res-36/27, 1981). از این رو، با وجود چنین درخواستی از سوی این سه نهاد بین‌المللی مبتنی بر امتناع آن رژیم از ادامه تهدیدات علیه تأسیسات هسته‌ای، نمی‌توان به آسانی تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای را تهدید مشروع و قابل توجیه قلمداد نمود.

ج. نبود مبنای حقوقی برای استناد به دفاع مشروع پیش‌دستانه

حملات مسلحانه رژیم اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای یا تهدید به انجام چنین حملاتی به استناد نظریه دفاع مشروع پیش‌دستانه انجام شده است. در این خصوص، اسرائیل در ۸ ژوئن ۱۹۸۱، بیانیه‌ای در خصوص توجیحات حمله مسلحانه خود به تأسیسات اوزیراک صادر کرد و در آن اعلام نمود: «اسرائیل لازم می‌داند افکار عمومی را در مورد دلایل حمله خود به راکتور اوزیراک روشن نماید. ما برای مدت‌ها با نگرانی شدید ساخت راکتور اوزیراک را دنبال می‌کردیم. منابع موثق به ما اعلام نمودند که هدف آن راکتور، بر خلاف اعلامیه‌های

صادره از سوی عراق، تولید بمب‌های هسته‌ای است. هدف این بمب‌ها اسرائیل است و این صریحاً توسط حاکم عراق اظهار شده است... منابع بسیار موثق، دو تاریخ اوایل جولای ۱۹۸۱ و اوایل سپتامبر ۱۹۸۱ را به عنوان تاریخ تکمیل ساخت راکتور به ما اعلام نموده‌اند. در صورتی که راکتور در ظرف مدت زمان کوتاهی عملیاتی می‌شد، اسرائیل نمی‌توانست تصمیم به نابودی آن بگیرد، زیرا نابودی آن امواج وسیعی از رادیو اکتیویته را بر فراز بغداد روانه می‌کرد. از این رو، ما مجبور به دفاع از خودمان در مقابل ساخت بمب اتمی در عراق شدیم...» (Israeli Statement of 8 June, 1981, in UN Security Council).

سوالی که در این ارتباط می‌تواند مطرح شود این است که آیا چنین نظریه‌ای در حقوق بین‌الملل که مبنای چنین حملاتی شده است، توجیه و مشروعیت قانونی دارد؟

مقررات حقوق بین‌الملل موجود و همین‌طور رویه بین‌المللی، مشروعیت چنین نظریه‌ای را توجیه یا تأیید نموده و حمله به تأسیسات هسته‌ای کشورها به بهانه دفاع پیش‌دستانه^۱ را مشروع ندانسته است. ماده ۵۱ منشور ملل متحد، به عنوان یکی از استثنائات اصل توسل به زور، شرایط خاصی را برای ایجاد حق دفاع مشروع و توسل به آن پیش‌بینی نموده تا موارد توسل به زور در جامعه جهانی که تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی است، به حداقل ممکن برسد. به موجب ماده ۵۱ منشور ملل متحد، شرط ایجاد حق دفاع مشروع وقوع حمله مسلحانه علیه دولت مدعی حق دفاع مشروع است. اگر دولتی هدف حمله مسلحانه واقع نشود، حق دفاع مشروع برای آن ایجاد نمی‌گردد. با وجود چنین نصی که هدف آن تقلیل تا حد ممکن موارد توسل به زور در جامعه بین‌المللی است، به سختی می‌توان نظریه دفاع مشروع پیش‌دستانه را به عنوان مبنای حقوقی حمله به تأسیسات هسته‌ای دیگر کشورها توجیه نمود.

رویه ارکان سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در محکومیت حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق نیز مؤید رد نظریه دفاع مشروع پیش‌دستانه به عنوان توجیهی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای است. قطعنامه‌های صادره از سوی آنها صراحتاً حمله اسرائیل را ناقض منشور ملل متحد قلمداد نموده و آن را محکوم نموده‌اند. اگر چنین نظریه‌ای توجیه داشت، اساساً آن نهادها نمی‌بایست چنان حمله‌ای را محکوم می‌نمودند. از این رو، با وجود این قطعنامه‌ها که از سوی نهادهای جهانی عمومی و تخصصی صادر شده و مبین اراده جامعه

جهانی است، به سختی می‌توان نظریه دفاع پیش‌دستانه را به عنوان توجیه حقوقی حمله به تأسیسات هسته‌ای قلمداد نمود. این نظریه بار دیگر در سال ۲۰۰۲ توسط جرج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا مطرح گردید (Sloss, 2003: 57) و در آن تأکید شد که حتی در مواردی که حمله‌ای از سوی دشمن صورت نگرفته می‌توان یکجانبه و در مقام دفاع متوسل به زور شد (Nungesser, 2004: 206). استناد به این نظریه یکی از توجیحات آمریکا در حمله ۲۰۰۳ به عراق بود که مدعی بود مانع دستیابی عراق به تسلیحات کشتار جمعی و کاربرد آن شده است.

د. محدودیت در زمان جنگ و درگیری‌های مسلحانه

غیر از زمان صلح که حمله به تأسیسات هسته‌ای ممنوع شده، در زمان مخاصمات مسلحانه نیز آزادی عمل طرف‌های تخاصم در حمله به این تأسیسات محدود گردیده است. حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی حمله به تأسیسات هسته‌ای در زمان جنگ را تابع محدودیت‌هایی نموده است. ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی^۱ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۷۷، محدودیت فوق را چنین مقرر داشته است:

۱. نیروگاه‌های هسته‌ای^۲، حتی اگر به عنوان اهداف نظامی نیز معین شده باشند، نباید هدف حمله قرار گیرند، چنانچه حمله به آنها رهاشدن عناصر خطرناک و متعاقباً ورود صدمات شدید بر سکنه غیر نظامی را در پی داشته باشد. اهداف نظامی دیگری که در مجاورت این... تأسیسات واقع شده باشد نیز نباید هدف حمله واقع شوند.

۲. در موارد ذیل، حمایت پیش‌بینی شده در بند ۱ خاتمه پیدا می‌کند:

الف) چنانچه نیروگاه هسته‌ای به طور منظم برق مورد نیاز برای پشتیبانی جدی و مستقیم از عملیات نظامی را فراهم آورد و اگر چنین حمله تنها راه پایان‌دادن به چنین پشتیبانی باشد.
ب) چنانچه دیگر اهدافی که در مجاورت این تأسیسات واقع شده‌اند به طور منظم جهت پشتیبانی از عملیات نظامی مورد استفاده واقع شوند و حمله به آن تنها راه ممکن برای پایان‌دادن به چنین پشتیبانی باشد.

1. Additional protocol 1
2. Nuclear power Generation station

۱. در تمام موارد، جمعیت و افراد غیر نظامی مشمول حمایت‌های اعطاشده حقوق بین‌الملل از جمله ماده ۵۷ (Lamm, 2004: 1-2) برخوردار خواهند بود. پس از خاتمه حمایت‌ها، در صورت تصمیم برای حمله به تأسیسات یا اهداف نظامی فوق‌الذکر، باید تمام احتیاط‌های ممکن برای جلوگیری از رهاسدن نیروهای خطرناک به عمل آید.
۲. اقدامات تلافی‌جویانه علیه هر کدام از ساختمان‌ها و تأسیسات یا اهداف نظامی مذکور در بند ۱ ممنوع می‌باشد.
۳. طرفین مخاصمه تلاش خواهند نمود از قراردادن هر نوع هدف نظامی در مجاورت ساختمان‌ها یا تأسیسات اشاره‌شده در بند ۱ امتناع نمایند. با وجود این، ایجاد تأسیسات صرفاً جهت دفاع ساختمان‌ها یا تأسیسات مورد حمایت در برابر حمله مجاز بوده و نباید هدف حمله واقع شوند، مشروط بر اینکه در مخاصمات از آنها جز به عنوان اقدام دفاعی در واکنش به حملات علیه ساختمان‌ها و تأسیسات استفاده نشده و تسلیحات آنها محدود به سلاح‌هایی باشد که صرفاً توانایی دفع اقدام خصمانه علیه ساختمان‌ها و تأسیسات مورد حمایت را داشته باشد.
۴. از طرف‌های معظم متعاقد و طرف‌های مخاصمه موکداً خواسته می‌شود بین خود، موافقت‌نامه‌های دیگری را برای تأمین حمایت بیشتر از تأسیسات دارای نیروی خطرناک منعقد نمایند.
۵. به منظور تسهیل شناسایی تأسیسات مورد حمایت این ماده، طرف‌های مخاصمه می‌توانند آنها را با علامت‌های مخصوصی متشکل از سه دایره به رنگ نارنجی که در یک محور واقع شده‌اند، به همان نحوی که در ماده ۱۶ ضمیمه یک این پروتکل مشخص شده است، علامت‌گذاری نمایند. فقدان چنین علامت‌گذاری به هیچ وجه طرف‌های مخاصمه را از تعهداتی که به موجب این ماده بر عهده گرفته‌اند، معاف نمی‌سازد.
- ماده ۱۵ پروتکل الحاقی دوم^۱ که مربوط به جنگ‌های غیر بین‌المللی مسلحانه است، ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای در زمان وقوع چنین جنگ‌هایی را این‌طور مقرر نموده است: «ساختمان‌ها یا تأسیسات متضمن نیروهای خطرناک یعنی... نیروگاه‌های هسته‌ای، حتی اگر اهداف نظامی باشند، نباید هدف حمله واقع شوند چنانچه چنین حمله‌ای رهاسدن نیروهای خطرناک و متعاقب آن وارد آمدن خسارت جدی به جمعیت غیر نظامی را در پی داشته باشد».

در حال حاضر، پروتکل‌های مذکور تنها اسناد جهانی می‌باشند که حمله به تأسیسات هسته‌ای در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی را محدود نموده‌اند. هر انعقاد این پروتکل‌ها گامی مثبت در جهت امنیت و تعرض ناپذیری تأسیسات هسته‌ای به شمار می‌آید، اما متضمن نارسایی‌هایی نیز می‌باشد. اولین نارسایی این است که پروتکل‌های فوق‌الذکر، به لحاظ موضوعی، صرفاً حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای را منع نموده‌اند و سایر تأسیسات هسته‌ای از قبیل تأسیسات غنی‌سازی، ساخت سوخت، بازفرآوری و راکتورهای هسته‌ای تحقیقاتی را شامل نمی‌شود. این نارسایی و عدم جامعیت در شرایطی است که حمله به این تأسیسات نیز می‌تواند خطرناک و توأم با انتشار تشعشعات باشد. نارسایی دوم این است که پروتکل‌های فوق صرفاً نیروگاه‌های هسته‌ای بهره‌بردار شده یا سوخت‌گذاری شده را شامل می‌شود و نیروگاه‌های در حال ساخت از شمول مقررات آن خارج است. در زمان جنگ تحمیلی (۱۳۳۳ و ۱۳۶۴)، عراق سه مرتبه نیروگاه اتمی نیمه‌تمام بوشهر را هدف حمله مسلحانه قرار داد. به سبب وجود این خلاء، شکایات و پیگیری‌های جمهوری اسلامی ایران در محافل بین‌المللی به نتیجه نرسید. در پاسخ به پیگیری‌های جمهوری اسلامی ایران، آژانس اعلام کرد در زمان حمله، نیروگاه اتمی بوشهر نیروگاه ناتمام و به بهره‌برداری نرسیده بوده و مواد هسته‌ای در آن وجود نداشته است و از این رو، نمی‌تواند تحت شمول مقررات ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو قرار گیرد (رضایی، ۱۳۸۹: ۳۰). در پی این واقعه، نمایندگی ایران در آژانس ممنوعیت حمله به تمام تأسیسات هسته‌ای اعم از بهره‌برداری شده و در حال ساخت را مطرح ساخت که این طرح در سال ۱۹۹۰ با تصویب قطعنامه‌ای در کنفرانس عمومی آژانس به نتیجه رسید (GC(XXIV)/Res 533 October 1990).

سومین نارسایی پروتکل‌های فوق‌الذکر، مشروط‌بودن ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای است. مقررات فوق‌الذکر، حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای را صرفاً در مواردی که منجر به انتشار تشعشعات شود، ممنوع نموده‌اند. این بدان معناست که آن بخش از تأسیسات و ساختمان‌های نیروگاه هسته‌ای که متضمن مواد هسته‌ای و انتشار پرتو نیست، می‌تواند مورد حمله قرار گیرد. همین‌طور نیروگاه‌های هسته‌ای اگر تأمین‌کننده برق عملیات نظامی باشند، حمایت خاص از آنها برداشته شده و هدف حمله مسلحانه واقع خواهند شد.

به‌رغم خلاءهای فوق، امروزه حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای با شرایط معین شده در پروتکل‌های فوق‌الذکر از جمله ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های مقرر شده برای متخصصین در

زمان مخاصمات است و نقض آنها می‌تواند جنایت جنگی تلقی شده و تحت صلاحیت و پیگیری محاکم بین‌المللی کیفری قرار گیرد. امروزه در قوانین ملی بسیاری از کشورها، حمله به تأسیسات هسته‌ای در زمان جنگ جرم قلمداد شده و قابل تعقیب و محاکمه می‌باشند.

ارمنستان (Law on Armenia penal code, 2003, Article 390. 3(1)، آذربایجان (Law on protection of civilian persons and Right of prisoners of war, 1995, Article, 15) بلاروس (Criminal code, 1999, Article 136)، فدراسیون بوسنی و هرزگوین (Criminal code, 2000, Article 433(1))، اردن (Draft Penal code, 2000, Article 144)، اسپانیا (Penal code, 1995, Article 611) از جمله کشورهای هستند که قوانین آنها حمله به تأسیسات هسته‌ای را جرم جنگی قلمداد نموده‌اند.

هـ ممنوعیت مبتنی بر حقوق بین‌الملل خاص

قواعد حقوق بین‌الملل عام (قاعده منع توسل یا تهدید توسل به زور و استثنائات آن) حمله مسلحانه یا تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای را ممنوع اعلام کرده‌اند. رویه ارکان ملل متحد نیز این واقعیت را تأیید می‌کند که حمله یا تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای با قواعد حقوق بین‌الملل مغایر بوده و قابل توجیه نمی‌باشد. به رغم وجود چنین ممنوعیتی، وقوع عملی حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای یا تهدیدهای متعدد علیه این تأسیسات، به ویژه از سوی رژیم اسرائیل و فقدان ممنوعیت مشخص و صریح حمله یا تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای در حقوق بین‌الملل عام، این احساس ضرورت را در جامعه بین‌الملل ایجاد نمود که تلاش‌هایی را در جهت خلق قواعد خاص برای ممنوع‌سازی صریح و مشخص حمله یا تهدید به حمله مسلحانه علیه این تأسیسات به عمل آورد. در سال ۱۹۷۷ و با انعقاد پروتکل‌های اول و دوم الحاقی به کنوانسیون چهارگانه ژنو بخشی از این تلاش‌ها به ثمر رسید و حمله به تأسیسات هسته‌ای در زمان جنگ تابع محدودیت‌هایی شد. حمله مسلحانه رژیم اسرائیل به راکتور هسته‌ای عراق در سال ۱۹۸۱ و حملات نظامی عراق به نیروگاه اتمی بوشهر در زمان جنگ هشت‌ساله تلاش‌های بین‌المللی (رضایی، ۱۳۸۹: ۳۸) در

جهت انعقاد معاهده بین‌المللی مبنی بر ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای را تشدید و تقویت نمود. نتیجه این تلاش‌ها خلق یک سلسله قواعد و مقررات نرم^۱ از طریق تصویب قطعنامه‌های خاص در مجامع بین‌المللی ذی‌صلاح و انعقاد برخی اسناد بین‌المللی الزام‌آور^۲ در سطح بین‌المللی بود که ادامه مقاله شامل تأملی کوتاه در مفاد این دو دسته از مقررات می‌شود.

۱. حقوق نرم

حمله مسلحانه اسرائیل به راکتور هسته‌ای اوزیراک یا تموز در سال ۱۹۸۱، ضمن آنکه موجب تصویب قطعنامه‌هایی از سوی شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل و شورای حکام و کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گردید، زمینه‌های تصویب قطعنامه‌های عام و کلی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر ممنوعیت حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای را نیز فراهم آورد. حملات مسلحانه عراق به نیروگاه اتمی ناتمام بوشهر در جریان جنگ هشت‌ساله سبب جدی‌شدن بیشتر موضوع در آژانس شد، هرچند این نهاد تخصصی بین‌المللی هیچ وقت این حملات را محکوم نکرد. در این خصوص، استدلال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این بود که در زمان حملات نیروگاه بوشهر راه‌اندازی نشده و سوخت هسته‌ای در آن وجود نداشته و خطر تشعشعات رادیواکتیو منتفی بوده است (رضایی، ۱۳۸۹: ۳۹).

آژانس در قطعنامه شماره ۴۴۴ مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۵ که ممنوعیت حمله یا تهدید به حمله علیه تأسیسات هسته‌ای را به طور کلی مورد توجه قرار داده و اعلام داشت هر نوع حمله مسلحانه یا تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز، نقض اصول منشور ملل متحد، حقوق بین‌الملل اساسنامه آژانس محسوب شده و توسعه کاربردهای صلح‌آمیز فناوری اتمی را به مخاطره می‌اندازد. این قطعنامه از دولت‌ها مصرانه خواست تلاش‌های بین‌المللی خود را جهت انعقاد و تصویب فوری قواعد بین‌المللی الزام‌آور مبنی بر ممنوعیت حمله مسلحانه علیه تمامی تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز به کار بندند. قطعنامه بعدی آژانس به شماره ۵۳۳ در تاریخ اکتبر ۱۹۹۰، به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران تصویب شد. این قطعنامه، ممنوعیت حمله یا تهدید به حمله مسلحانه را علاوه بر تأسیسات هسته‌ای در حال کار، به تأسیسات هسته‌ای در حال ساخت نیز

1. Soft Law

2. Hard Law

توسعه داده و ضمن تکرار و تائید مقررات قطعنامه ۴۴۴، اشعار داشته است که حمله یا تهدید به حمله مسلحانه علیه این تأسیسات موجب وضعیتی می‌گردد که در آن شورای امنیت سازمان ملل بر اساس منشور ملل متحد علیه دولت حمله یا تهدیدکننده اقدام نماید. در سپتامبر ۲۰۰۹، مجدداً با پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران، کنفرانس عمومی آژانس ممنوعیت حمله یا تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای در حال کار و ساخت را در دستور کار خود قرار داد و آن را تصویب کرد. کنفرانس عمومی در این مصوبه خود پس از تأیید مفاد قطعنامه‌های ۴۴۴ و ۵۳۳ یک بار دیگر حمله یا تهدید به حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز در حال ساخت و کار را ناقض منشور ملل متحد، حقوق بین‌الملل و اساسنامه آژانس اعلام نمود. هرچند این قطعنامه‌ها، درجه الزام حقوق بین‌الملل قطعی یا سخت را ندارند، اما نشانه و دلیل نگرانی و دغدغه بخش قابل ملاحظه‌ای از اعضای جامعه بین‌المللی نسبت به امنیت و مصونیت تأسیسات هسته‌ای در مقابل حملات مسلحانه محسوب می‌شوند و مفاد آنها را نمی‌توان در ارزیابی مشروعیت حملات یا تهدید به حملات مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای مورد ملاحظه قرار نداد.

۲. حقوق سخت یا قطعی

به رغم تأکید قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان ملل و همچنین مقررات برخی از اسناد بین‌المللی دیگر، منجمله سند اصول و اهداف منع گسترش و خلع سلاح هسته‌ای (Principles and objectives of Nuclear Nonproliferation and Disarmament, NPT/ Conf (2) 1995, 32, Dec 2) / مصوب کنفرانس ۱۹۹۵ بازنگری و تمدید معاهده منع گسترش سلاح‌ها بر انعقاد معاهده جهان‌شمول مبنی بر ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای، تا کنون جامعه بین‌المللی موفق به انعقاد و تصویب چنین معاهده‌ای نشده است. در حال حاضر، موافقت‌نامه ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ بین هند و پاکستان راجع به ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای یکدیگر Agreement between India and Pakistan on the Prohibition of Attacks against Nuclear Installations and Facilities, December 31, 1988 و معاهده پلیندبا راجع به منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در آفریقا، تنها اسناد بین‌المللی الزام‌آوری می‌باشند که در سطح دوجانبه و منطقه‌ای حمله به تأسیسات هسته‌ای را ممنوع اعلام نموده‌اند. این معاهدات صرفاً حمله مسلحانه را منع نموده و ممنوعیت تهدید به حمله را مورد توجه و پیش‌بینی قرار نداده‌اند.

نتیجه گیری

به رغم تأکید و تصریح حقوق بین الملل عام مبنی بر ممنوعیت توسل یا تهدید توسل به زور در روابط بین الملل و تسری ممنوعیت مقرر در این اصل به حملات یا تهدید به حملات مسلحانه علیه تأسیسات اتمی، حمله به تأسیسات هسته‌ای در عمل اتفاق افتاد و تهدید به انجام چنین حملاتی نیز هر چند وقت یک بار انجام می‌گیرد. عمده این حملات و یا تهدید به حملات توسط رژیم اسرائیل علیه کشورهای منطقه، منجمله جمهوری اسلامی ایران بوده است. چنین شرایطی مسئولیت ایران در تلاش برای تقویت و تحکیم بیشتر حقوق بین الملل ممنوعیت حمله یا تهدید حمله به تأسیسات هسته‌ای را دوچندان می‌نماید. هرچند تا کنون نقش ایران به نسبت سایر کشورها در اصرار و تأکید بر ایجاد سازوکارهای حقوقی مؤثر برای تأمین امنیت و مصونیت و تعرض ناپذیری تأسیسات هسته‌ای قابل ملاحظه بوده، اما ملاحظات امنیتی خاص کشور در این زمینه ایجاب می‌کند تلاش‌های آن با شدت و گسترش بیشتری و با استفاده از پتانسیل موجود در سازمان‌های بین‌المللی، منجمله جنبش عدم تعهد جهت تحکیم و تقویت حقوق بین الملل ممنوعیت حمله یا تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای تداوم پیدا کند. در این خصوص، به طور مشخص انجام اقدامات و تلاش‌های زیر از سوی نهادها و مقامات ذی‌صلاح کشور پیشنهاد می‌گردد:

۱. تلاش بین‌المللی در جهت رفع حلاهای و محدودیت‌های پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در خصوص ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای در زمان مخاصمات مسلحانه و پیگیری قوی‌تر انعقاد معاهده جهانی ممنوعیت حمله یا تهدید به حمله علیه تأسیسات هسته‌ای.
۲. ضرورت صدور اعلامیه تفسیری از سوی کشور به هنگام الحاق به پروتکل‌های ۱۹۷۷ مبنی بر توسعه حمایت‌های مقرر در ماده ۵۶ پروتکل اول و ماده ۱۵ پروتکل دوم به دیگر تأسیسات هسته‌ای به ویژه تأسیسات غنی‌سازی.
۳. پیگیری انعقاد معاهدات منطقه‌ای ممنوع‌سازی حمله یا تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای. انعقاد معاهده‌ای در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند از جمله چنین معاهدات منطقه‌ای محسوب شود. این امر همچنین، روند انعقاد معاهده‌ای جهانی در این زمینه در آینده را تسهیل و تقویت می‌نماید.
۴. تهیه و تدوین متن پیش‌نویس معاهدات جهانی یا منطقه‌ای در مورد ممنوعیت حمله یا تهدید به حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای و ارائه آنها برای بحث و بررسی و انعقاد در نهادها و مجامع بین‌المللی ذی‌صلاح.

منابع

- رضایی، صالح (۱۳۸۸): «ناگفته‌های حقوقی حمله نظامی عراق به نیروگاه بوشهر»، *نگین ایران*، شماره ۴.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۹): «سیاست قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در قبال اصل ممنوعیت توسل به زور»، *مجموعه مقالات همایش نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل*.
- شریف، محمد (۱۳۷۳): *بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت*، تهران: اطلاعات.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰): *حقوق جنگ*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، چ دوم
- نژندی‌منش هیبت‌الله (۱۳۸۹): «دفاع مشروع در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری: تداوم یا توسعه»، *مجموعه مقالات همایش دیوان بین‌المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل*، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.

- African Nuclear Weapon ° Free zone, 1996, Article, 11
- Agreement between India and Pakistan on the Prohibition of Attacks against Nuclear Installations and Facilities, December 31, 1988
- Armenia penal code, 2003, Article 390.3(1)
- Criminal code as Amended, 1960, Article 262
- Criminal code, 1999, Article 136
- Criminal code, 2000, Article 433(1)
- Damato, Anthony (1983); "Israeli Air strike upon The Iraqi Nuclear Reactor", *AJIL*, Vol. 11
- Definition of Aggression, General Assembly Resolution 3314(XXIX) 14 December, 1974
- Draft Military Criminal code 2000, Article 41 (1) and (4)
- GC (XXIV)/Res 533 October 1990
- GC (XXIX), 1985.
- Gowers, Andrew Garwood (2011); "Israelis Air strike on Syria's Al-kibar Facility A test for the Doctrine of preemptive self Defense", *Journal of Conflict and Security Law*, Vol. 16, Issue 2.
- Green, James A (2011); "Threat of Force as an Action in Self Defense under International Law, Vol. 44.
- IAEA.GC (xxv) /643, 30 June 1981
- ICJ Reports, 1986
- Israeli statement of 8- 1981, in UN Security Council

- Lamm, Vanda (2004); "Protection of civilian Nuclear Installations in time of Armed Conflicts", *Nuclear Law Bulletin*, No 74, OECD.
- Law on protection of civilian persons and Right of prisoners of war, 1995, Article, 15
- Netanyahu Benyamin (2012); *Speech to UN General Assembly Session*, September 27
- Nicaragua case 1986, Icj Reports, 14, 91
- Nungesser, Donald (2004); "Use of Doctrine of Anticipatory self Defense in Iraqi Conflicts", *Pace International Law Review*, Vol. 16.
- Penal code, 1995, Article 611
- Penal code, 2000, Article 144
- Principles and objectives of Nuclear Non proliferation and Disarmament, Npt/Conf/1995, 32, Dec 2
- Radlzh, A. Pefer (1982); "Use of force", *Encyclopedia of public International Law*, Vol. 4, North Holland Publishing Company.
- Sarvarian, Arman (2012); "The Lawfulness of Israeli strike on Nuclear Facility of Islamic Republic of Iran: An Appraisal of Law of Self Defense", Unpublished Paper. at http://works.bepress.com/arman_sarrarian/doctype.html.
- Sloss, David (2003); "Forcible Arms Control, Preemptive Attacks on Nuclear Facilities", *Chicago Journal of International Law*, Vol. 4, No.1.
- Taft, William H. (2004); "Self Defense and oil platforms Decision", *Yale Journal of International Law*, Vol. 29; 291.
- The GA Advisory Opinion, ICJ, Reports, 1996.
- UNGA Res 3314.
- UNGA Res 36/27, 13 November 1981
- UNGA Res/36/9 10 November 1983
- UNGA Res/39/14 16 November 1984
- UNGA/Res 36/27, 18 November 1981
- UNGA/Res-36/27(1981) p.2
- United Nations Security council Resolution, June, 19, 1981
- UNSC/Res- 487(1981)
- UNSC/Res 487, June 19/1981
- UNSC/Res, 731, 21. January 1992;
- UNSC/Res, 748, 31 Mar 1992